

اصحاب نور

و دو رساله عرفانی و اشراقی از سده های هشتم و یازدهم هجری



مقدمه و تصحیح و تحقیق

آزاده کرباسیان

محمد کریمی زنجانی اصل



اصحاب نور و دو رساله عرفانی و اشراقی

از سده‌های هشتم تا یازدهم هجری

با مقدمه و تصحیح و تحقیق

آزاده کرباسیان

محمد کریمی زنجانی اصل

اصحاب نور

و دو رساله عرفانی و اشراقی

از سده‌های هشتم و یازدهم هجری

رساله قطیّه

(در مراتب اولیاء حقّ سبحانه و تعالی از مؤلفی ناشناخته از سده هشتم هجری)

مظهر انوار

محمد تقی بن عبدالوهاب استرآبادی (م ۱۰۵۸ ق)

با مقدمه و تصحیح و تحقیق

آزاده کرباسیان

محمد کریمی زنجانی اصل



عنوان و نام پدیدآور	: اصحاب نور و دو رساله عرفانی و اشراقی از سده‌های هشتم و یازدهم هجری؛ رساله قطبیه (در مراتب اولیاء حق سبحانه و تعالی)، مظہر انوار محمدتقی استرآبادی (م ۱۰۵۸ ق) / با مقدمه و تصحیح و تحقیق آزاده کرباسیان، محمد کریمی زنجانی اصل. تهران: شولا، ۱۴۰۲.
مشخصات نشر	: ۱۲۰ ص: جلد: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۰۰۰۰ ریال: ۸ - ۵۳ - ۷۷۷۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸
شابک	: فیا
وضعیت فهرست‌نویسی	: کتابنامه
یادداشت	: نمایه
یادداشت	: موسی، پیامبر یهود
موضوع	: Moses (Biblical leader)
موضوع	: خضر، پیامبر
موضوع	: تفاسیر (سوره کهف)
موضوع	: تفاسیر عرفانی - قرن ۹ ق.
	: Qur'an - Mystical hermeneutics - 15 th century
شناسه افزوده	: ابن عبدالوهاب استرآبادی، محمد تقی، ۱۰۵۸ ق
شناسه افزوده	: کرباسیان، آزاده، ۱۳۴۸ - ، مقدمه‌نویس، مصحح
شناسه افزوده	: کریمی زنجانی اصل، محمد، ۱۳۵۲ - ، مقدمه‌نویس، مصحح
شناسه افزوده	: Karimi Zanjani Asl, Mohammad
شناسه افزوده	: حسینی استرآبادی، عبدالوهاب بن علی، قرن ۹ ق.
رده‌بندی کنگره	: BP ۱۰۲/۴۵
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۱۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۳۱۱۴۰۱



اصحاب نور

و دو رساله عرفانی و اشراقی از سده‌های هشتم و یازدهم هجری
با مقدمه و تصحیح و تحقیق آزاده کرباسیان و محمد کریمی زنجانی اصل

طراحی جلد: محسن رزاقی

چاپ اول: ۱۴۰۲

تیراژ: ۱۰۰ نسخه

قیمت: ۱۷۰۰۰۰ تومان

ISBN: 978-964-7770-53-8

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۷۷۷۰ - ۵۳ - ۸

تکثیر و انتشار این اثر به هر روش (بازنویسی، فتوکپی، ضبط الکترونیکی و ذخیره در سیستم بازیابی و پخش) بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از مصحح و ناشر ممنوع و قابل پیگرد قانونی است.
آدرس: خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان وحید نظری - نرسیده به منیری جاوید - پلاک ۱۰۵ - طبقه همکف - تلفن: ۶۶۴۰۱۵۴۱ و ۶۶۴۰۱۴۴۵

با یاد

عبدالمحمد روح بخشان

(۱۳۱۷ - ۱۳۹۰ ش)

به نوراندیشان ایرانی

که از اصحاب نورند و از مظاهر انوار

فهرست مطالب

۹	 اشارت و یاد
---	-------------------

اصحاب نور

۱۵	 درآمد
۱۹	 نسخه‌شناسی و روش تصحیح
۲۳	 اصحاب نور (متن)
۳۲	 فهرست منابع

رساله قطبیه

۳۵	 درآمد
۴۱	 نسخه‌شناسی و روش تصحیح
۴۳	 پیوست: جدول مقایسه فتوحات مکّیه و رساله قطبیه
۴۵	 رساله قطبیه (متن)
۶۵	 فهرست منابع

مظهر انوار

۶۹	 درآمدی بر زندگی و آثار محمد تقی استرآبادی
۷۷	 نسخه‌شناسی و روش تصحیح

۸۵	 مظهر انوار (متن)
۸۵	 خطبه
۸۶	 مظهر اوّل در تقسیم عوالم کلیه به نزد اهل تصوّف
۸۹	 تبصره
۹۰	 فایده
۹۷	 مظهر دوّم در تقسیم عوالم به طریق متکلمین ظاهریه
۹۸	 مظهر سیّم در تقسیم عوالم به مذهب اصحاب افلاطون
۱۰۰	 مظهر چهارم در بیان مذهب اصحاب ارسطاطالیس
۱۰۱	 مظهر پنجم در بیان هجده هزار عالم به طریق ارباب شهود
۱۰۷	 تصویر نسخه‌های خطّی
۱۱۳	 فهرست منابع
	نمایه‌ها
۱۱۵	 آیات
۱۱۵	 اشخاص
۱۱۸	 کتاب‌ها و رساله‌ها و مجلّات

اشارت و یاد

نگارنده این سطرها نیکبخت است از اینکه می‌بیند ویراست دوم دفتر پیش رو، سرانجام در سرزمین پُر مهر و نورِ نگارندگانِ این سه رساله مجال انتشار یافته است؛ و خوشبخت است از اینکه دوست بلندنظرش جناب مهرداد آبرومندی و همکاران ارجمند او در نشر شولا سبب‌ساز انتشار آن شدند.

چرایی بازبینی تصحیح رساله‌ها را در افزوده‌ام بر «اشارت و یاد» چاپ دوم برنموده‌ام و با اجازه ناشر آلمانی کتاب، آن را پس از این یادداشت آورده‌ام تا مجال دیگری باشد برای سپاس از دو دوست گرانقدری که از ایشان یاد کرده‌ام.

تهران، اوّل مرداد ماه ۱۴۰۲ خورشیدی



ویراست نخست این دفتر در ۱۳۹۳ شمسی منتشر شد. در آن هنگام به دلیل دوری از ایران، به فهرست‌ها و نسخه‌های دو کتابخانهٔ آستان قدس رضوی در مشهد و آیت‌الله مرعشی نجفی در قم دسترسی نداشتم و این مسئله موجب شد که نویسندهٔ رسالهٔ *مظهرانوار* را بازبیناسم.

دسترسی نداشتن به آن نسخه‌ها، نادرستی‌های چندی را در متن وارد کرد. افزون بر این، به دلیل افتادگی یک برگ در نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس شورا در تهران، بیش از سه صفحه از متن پیش رو در آن دفتر نیامد؛ فرازهایی که هم از نظر مضمونی و هم از نظر بازشناسی منابع مؤلف، مهم و تأمل‌برانگیزند.

اکنون و هشت سال پس از انتشار آن دفتر، خوشحالم که متن بازبینی‌شدهٔ این دو رساله را پس از مقابلهٔ رسالهٔ *مظهرانوار* با دو نسخهٔ یادشده و بازبینی مقدمه و افزودن بخش‌هایی بر آن، به همراه متن تصحیح‌شدهٔ رسالهٔ قطبیّه، به همت دوست بلندنظر و دانشورم جناب شایان حسینی و همکاران ارجمندش در

انتشارات *DIFI* منتشر می‌کنم. امید که روش پسندیده و اخلاقی آنها در رعایت حق مؤلف و مصحح، پیش روی ناشرانی قرار گیرد که با تمام توان می‌کوشند که از این روش و رویکرد جز شعاری توخالی برنمایند.

در دسترسی به نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم، دوست دانشور و یک‌رنگم جناب محمدعلی باقرزاده یاریگر من بود. از او سپاسگزارم و امیدوار و دعاگو که راه و رسمش در دوستی، موجب عبرت دوست‌نمایان بی‌مایه، و همش در پاسداشت میراث ایرانی و اسلامی، الگوی بی‌مایگان مدعی این حوزه شریف باشد.

تهران، اول تیر ماه ۱۴۰۱ خورشیدی



یک دهه پیش، شیخ شهاب‌الدین سهروردی و حکمت اشراقی و نوراندیشی ایرانی، سبب‌ساز دوستی پایداری میان من و استاد عبدالکریم جریزه‌دار و شادروان عبدالحمید روح‌بخشان شد. تا هنگامی که در ایران بودم، هر از گاهی، با فاصله‌ای چند هفته‌ای که گرد هم می‌نشستیم، کانون گفتگوهایمان معنویت ایرانی بود و سرشت و سرنوشتش.

در این چند سالی که برای به‌فرجام‌رساندن چند کار پژوهشی از ایران دور بوده‌ام، یاد آن جلسات روح‌بخش و کریمانه همواره خاطرم را به نیکی نواخته است؛ بی‌هیچ گزافه‌ای، شادم‌ام که چنان دیدارهایی را تجربه کرده و ساعاتی را با مردان مردانی هم‌سخن بوده‌ام که با یاد ایران نفس می‌کشند و در پاسداشت آن به جان می‌کوشند.

در روز سوم ماه ژوئن سال ۲۰۱۰ میلادی که در بخش نسخ شرقی کتابخانه ملی پاریس، مشغول بررسی نسخه دستور المنجم بودم، فراغت کوتاهی دست داد و برخی نسخه‌های فارسی را از نظر گذراندم.

در میان نسخه‌ها، رساله فارسی کوتاهی نظرم را جلب کرد: *اصحاب نور*. آن را تحفه ارجمندی برای تقدیم به دوستان دانشی و بزرگواری یافتم که یادشان

گذشت. رساله را در همان مجالی که بود استنساخ کردم؛ اما به دلیل گرفتاری‌های کاری، از نهایی کردن متن بازماندم.

این همه ماند تا آنکه در دیار غربت، خبر از دست‌رفتن استاد ارجمند، شادروان روح‌بخشان رسید. یکی از آن لحظه‌هایی بود که نابهنگامی و تلخی و ناگواری‌شان را به کلام نمی‌توانم بازگفت. اندوه ژرف من تنها به این اندیشه آرام گرفت که روانِ شاد و به نورالانوار پیوسته او، اکنون با دیگر شهسواران نوراندیش ایرانی هم‌سخن شده است و به حضور در میان ایشان خرسند.

چندی پیش، در هفته نخست ماه مارس ۲۰۱۴ میلادی که برای بازبینی نهایی متن تصحیح شده دستورالمنجمین رهسپار بخش نسخ شرقی کتابخانه ملی پاریس شدم، متن *اصحاب نور* را نیز با خود بدانجا بازبردم. در این سفر، نیکبختانه عکسبرداری از نسخه خطی این رساله میسر شد و پس از بازگشت به بَن، با همکار دانشی‌ام بانو آزاده کرباسیان نسخه نهایی را بازبینی کردیم و برداشتیم.

بازبینی این کار، ما را به یاد رساله دیگری انداخت که سال گذشته، تصحیح و تحقیق آن را به پایان رسانده بودیم و برای انتشار در مجالی مناسب کنار گذاشته بودیم: *مظهرانوار*؛ رساله‌ای در بیان عوالم موجود و آموزه‌های مشائیان و اشراقیان و صوفیان و متکلمان درباره تعداد و نام‌های آنها از نویسنده ارجمندی از روزگار صفوی. از آنجا که نگارنده این رساله نیز، همچون نویسنده ناشناخته *اصحاب نور*، از جان‌آشنایان حکمت اشراقی بود، دیدیم که برای انتشار تحفه‌ای است درویشانه، و امید که ماندگار.

اکنون، دستانم این تلاش‌ها را تقدیم می‌کنیم به روانِ عبدالحمّد روح‌بخشان و دیگر نوراندیشان ایرانی:

به آنان که از اصحاب نورند و از مظاهر انوار

محمد کریمی زنجانی اصل

مؤسسه ابن‌سینا برای پژوهش در تاریخ اندیشه

بَن، جمهوری فدرال آلمان / عصر پنجشنبه، بیستم مارس ۲۰۱۴ میلادی

اصحاب نور

(تفسیر صوفیانه داستان خضر و موسی)

از مؤلفی ناشناخته بر مبنای نسخه‌ای از سده نهم هجری

درآمد

با درنگ در میراث عرفانی در جهان ایرانی / اسلامی درمی‌یابیم که از همان نخستین سده‌های اسلامی، از جمله دغدغه‌های اصلی جان‌های شیفته‌رهایی از روزمرگی‌های متداول بشری، برنمودن یکی از حسّاس‌ترین و ظریف‌ترین، و بسا که مقدّم‌ترین نموده‌های حیات معنوی آدمی بوده است: نسبت عشق و عقل به مثابه شخصی‌ترین حضورِ رازِ هستی موجودی که پای بر خاک و دل در افلاک دارد. در واقع، بی‌سبب نیست که ما اکنونیان، ادبِ ایرانیِ پیشینیانمان را چنین سرشار از نمادپردازی و ستایش آیینی می‌یابیم که ترکیبی است تغزلی از معرفت‌گراییِ باطنی و احساس‌گرایی و شوری قلبی.

ظهور و حضور شیخ اشراق، شهاب‌الدین یحیی سهروردی (شهید ۵۸۷ ق)، و عشق‌پردازی او با نگارش رسالهٔ *مونس‌العشاق*، مجال عبور از مجاز به حقیقت عشق را فراهم آورد. در نظر شیخ اشراق، کیشِ عشق، همانا در همخوانی معرفت باطنی و عواطف بشری تکوین می‌یابد و سلسله‌ای از روابطی را سامان می‌بخشد که در تمام این عالم جاری است؛ عالمی که آغاز و فرجامش را انوار پاک رقم می‌زنند. شهاب سهرورد، عشق را بدان پایه ارج می‌نهد که همچون همتایان تروبادورش در سده‌های بعد،^۱

^۱ دربارهٔ تروبادورها به عنوان شاخه‌ای از کاتارهای مانوی مذهب قرون وسطای مسیحی نک:

توحید را نیز چنین عاشقانه بازمی‌سراید:

یک ذره عشق اگر هویدا بودی نه مؤمن و نه گبر و نه ترسا بودی
 و دیده جمله خلق بینا بودی هر رشته که آن دو تاست یکتا بودی^۱
 اکنون بر سر آن نیستیم که به باز نمود و بررسی میراث عاشقانه
 سهروردی پردازیم؛ به‌ویژه که این مهم را پیش از این، دو تن از محققان
 برجسته این حوزه مطالعاتی، به شایستگی برآورده‌اند.^۲
 بنابراین به معرفی رساله‌ای می‌پردازیم که با الهام از میراث شیخ اشراق
 به باز نمود نسبت عشق و عقل پرداخته است؛ اما با دریغ، اکنون حدود
 پانصد و پنجاه سال است که در مجموعه ارجمندی از میراث صوفیانه
 فارسی انتظار می‌کشد تا بار دیگر رُخ از پرده برگیرد و جان اهل نور را
 بنوازد.

رساله مورد بحث ما اصحاب نور نام دارد که تأویل و تفسیری صوفیانه
 از داستان خضر و موسی بنا بر آیات ۶۰ به بعد سوره کهف است. با
 دریغ، از مؤلف این رساله نشانی در دست نیست؛ همین اندازه می‌دانیم
 که باید پیش از تاریخ ۸۸۳ هجری نوشته شده باشد که در پایان رساله
 مقصد الاقصی به عنوان تاریخ کتابت نسخه آمده است. از اینکه مؤلف به
 مناسبت‌های چندی، ابیاتی از نظامی گنجوی و مولانا جلال‌الدین محمد

^۱ این ابیات را بدرالدین نسوی خراسانی، از جمله مدرّسان ناشناخته حکمت اشراقی در نیمه نخست سده هشتم هجری، در برگ «۲۴۹ رو» نسخه‌ای که به قلم خویش در طول سال‌های ۷۳۱ تا ۷۳۵ هجری در سه مدرسه نظامیه و مستصریه بغداد و سلطانیّه زنجان از رسائل شیخ اشراق فراهم آورده است، از شیخ نوراندیشان ایران نقل می‌کند. این نسخه، اکنون به شماره ۱۴۸۰ در کتابخانه راغب پاشا در ترکیه نگهداری می‌شود.

^۲ نک: پورجوادی ۱۳۸۰ش، صص ۴۴ - ۶۴؛ Corbin 1933, pp. 371 - 423.

بلخی نقل کرده است، درمی‌یابیم که این رساله می‌باید در فاصله نیمه دوم سده هفتم تا دهه هشتم سده نهم هجری نوشته شده باشد.

از لحن این رساله برمی‌آید که در واقع تقریری است از آراء یکی از مشایخ ناشناخته صوفیه و در قالب ترکیبی از نوشتار و گفتار یکی از مشایخ اهل منبر تنظیم شده است؛ چنان که در اثنای سخن، پرسش و پاسخ‌هایی را می‌بینیم که میان صاحب رساله و یکی از صوفیان علاقه‌مند به مباحث فلسفی رد و بدل می‌شود و بر اساس آن از دانش فلسفی و منطقی او سخن می‌توانیم گفت. شاید هم، اینها افزوده‌های عمدی مؤلف رساله بوده است برای آنکه در ادامه سنت شیخ اشراق، همگانگی حکمت و تصوف را در زمینه مورد بحث خود برنماید؛ چنان که به تأکید می‌گوید «و از این معنی کسی ذوق یابد که مشرب او به این نوع علوم موافق باشد».

اکنون می‌دانیم که گویا نخستین بار این عزیزالدین نسفی، صوفی اهل فلسفه سده هفتم هجری بود که در کشف الحقائق خود در بازنمود "اهل وحدت"، آنها را به دو گروه اصحاب نار و اصحاب نور تقسیم کرد.^۱ با توجه به اینکه رساله پیش رو نیز با یادکرد همین دو گروه آغاز می‌شود، و نیز، با توجه به اشارت‌های پیاپی نسفی به داستان موسی و خضر در آثارش، می‌توان گفت که نویسنده ناشناخته ما، با مکتب او به خوبی آشنا بوده است؛ هرچند که این آشنایی را نمی‌توان به معنی پیروی او از مکتب نسفی دانست؛ چرا که بر خلاف نسفی که موسی (ع) را "نبی"

^۱ در این باره بنگرید به: میرباقری فرد ۱۳۷۹ ش، صص ۱۲۵ - ۱۴۴؛

می‌داند و "علیم" و خضر (ع) را "ولیّ و علاّم"، او به تصریح این دو را به زبان اهل تحقیق و اشارت، "عقل و عشق" می‌خواند.

نسخه‌شناسی و روش تصحیح

در مجموعه شماره «۱۲۴ فارسی» بخش نسخ شرقی کتابخانه ملی پاریس، هشت رساله و یادبودی در یک صفحه به شرح زیر کتابت شده‌اند؛^۱ آن هم با خطی خوش و با استفاده از حروف شنگرف و در برگ‌هایی سیزده سطری و قاب‌بندی شده:

برگ‌های «۲ رو» تا «۴۳ رو»: *خالصة الحقائق من كلام علي بن محمود ابن الرايض البدخشاني*. در حاشیه انجامه به خطی نونویس‌تر آمده است:

«تمّ تساماً اليوم الثاني العيد الأضحى في سنة ۱۰۸۶».

برگ‌های «۴۳ پ» تا «۴۵ پ»: قاب‌بندی شده اما خالی است.
برگ‌های «۴۶ رو» تا «۱۱۹ رو»: *سير العباد إلى المعاد* (ترکیب شعر و نثر عرفانی) از سنایی غزنوی برای بوالمفاخر محمد منصور که با این بیت خاتمه یافته است:

«گفتم آن نور کیست گفت آن نور

بوالمفاخر محمد منصور»

برگ‌های «۱۱۹ پ» تا «۱۲۱ پ»: قاب‌بندی شده اما خالی است.

^۱ در این باره بنگرید به توضیحات بلوشه (Blochet 1905, Tome 1, pp. 101 - 103) در فهرست

نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی فرانسه، ذیل شماره ۱۵۰.

برگ‌های «۱۲۲ رو» تا «۱۵۴ پ»: رساله جام خوب فرجام من کلام
تاج الدین همدانی (ترکیب شعر و نثر عرفانی) در ۶ مقاله و
دو خاتمه به این شرح:^۱

در بیان کیفیت سلوک صراط المستقیم، در بیان حقایق ملایکه
و شیاطین و انسان، در بیان تقلب قلب و رابطه روح با قالب،
در بیان آیات عالم اکبر من السمک إلى السمک، در بیان عالم
اصغر، در بیان تنظیم نفس انسان و تحریض بر معرفت دل در
سه باب «در بیان کتاب کبیر، در بیان حقایق آفتاب و ماه، در
بیان کیفیت طلوع حقایق و انواع از مطالع ابداع»، باب اوّل در
سه فصل و باب دوّم در سه فصل و باب دیگر در یک فصل.

در برگ‌های «۱۵۱ پ» و «۱۵۲ پ» و «۱۵۳ رو» این
رساله، شاه‌دیم که مؤلف تصریح دارد به اشراق انوار و در
برگ‌های «۱۵۲ پ» و «۱۵۳ رو» «در خاتمه کتاب در بیان
کیفیت استفادت و معانی از این رساله» می‌نویسد:

«معلوم باد که شرایط اشراق اسرار و ۱۵۲ پ/ اقتباس انوار از
مشکات این جام مزکّات بعد از وقادت ذهن و نقاوت طبیعت
ترتیل کلمات است به تأمل و تدبّر معانی است به تأنی ...».

برگ‌های «۱۵۵ رو» تا «۱۹۵ پ»: انتخاب معارف من کلام مولانا
جلال الدین رومی.

برگ‌های «۱۹۶ رو» تا «۱۹۷ پ»: قاب‌بندی شده اما خالی است.
برگ‌های «۱۹۸ رو» تا «۲۱۰ پ»: رساله انیس من کلام امیر قاسم

^۱ تصحیح این رساله نیز به پایان رسیده است و امیدوارم که به زودی منتشر شود / کریمی.

که در برگ «۲۰۹ پ» آن به تاریخ نگارش اثر در ۷۹۹

هجری در هرات تصریح شده است.

برگ ۲۱۱ رو: و له سلام الله (هفت بیت شعر).

برگ ۲۱۲ پ: قاب‌بندی شده اما خالی است.

برگ‌های «۲۱۲ رو» تا «۲۱۹ پ»: رساله اصحاب نور که در ادامه

از آن بیشتر سخن خواهیم گفت.

برگ‌های «۲۲۰ رو» تا «۲۵۶ رو»: کنز الترموز من کلام حسینی نور

الله مرقد که منظوم است.

برگ‌های «۲۵۶ پ» تا «۲۵۹ پ»: قاب‌بندی شده اما خالی

است.

برگ‌های «۲۶۰ رو» تا «۳۲۹ رو»: رساله مقصد الاقصی من کلام

عزیز الدین النّسفی. در پایان آن آمده است:

«تمت هذه الكتاب بعون الله الملك الوهاب من يد اضعف العباد

قاسم بن حاجی بک بن یوسف القصاب وقت الصّحوة التاسع

والعشرين من شهر شعبان المعظم فی سنة ثلث و ثمانین و ثمانیاه».

برگ‌های «۳۲۹ پ» تا «۳۳۱ رو»: قاب‌بندی شده اما خالی

است.

برگ «۳۳۱ پ»: دایره و دعای رجال الغیب به عربی که ترکیبی

است از اعداد و جهت‌ها در دایره و سرلوحه‌ای به زبان

ترکی دارد.

برگ «۳۳۲ رو»: شرح دایره به زبان ترکی بر اساس آراء محیی

الدّین بن عربی به خطی متفاوت.

نسخه موجود، از نظر زبان و شیوه کتابت خصوصیات سده نهم هجری را دارد؛ چنان‌که در آن چنین ضبط‌هایی را می‌توان یافت: «کارهای» به صورت «کاره‌اء»، و «مرتبه» به صورت «مرتبه‌ء»، و «هر که را» به صورت «هرکرا»، و «از او» به صورت «ازو».

در تصحیح پیش رو، رسم‌الخط را به شیوه امروزی درآورده‌ایم؛ البته با حفظ رسم‌الخط کلماتی مانند «چنانک». شماره صفحات را با حروف تیره‌تر در میان < > نهاده‌ایم، و نیز چند کلمه و نشانه‌ای را که در نسخه نبوده‌اند و برای بهتر خوانده شدن بر آن افزوده‌ایم. نشانه‌ها و کلمات شنگرف را همان‌گونه ضبط کرده‌ایم که در اصل نسخه بوده است. در ضبط اختلاف‌ها، برای نشان‌دادن نسخه اساس تصحیح P را به کار برده‌ایم. واژه یا عبارت بعد از «[» یعنی «در نسخه یا منبع مورد نظر، چنین است» و «]» یعنی «در نسخه یا منبع مورد نظر موجود نیست». پاراگراف‌بندی اثر نیز از ما است.